اکبر عبدی، بازیگر نام‌آشنای سینمای ایران، در ۶۵سالگی درگذشت

وداع با بازیگر هزارنقش

بهناز شیربانی: به ساختمان مخروبه وسط بیابان فکر می‌کنم؛ ساختمانی که داریوش مهرجویی بنا کرد و شخصیت‌هایی را برایمان تصویر کرد که ساکنانش ۴۰ سال است هر روز در ذهن و خاطرمان ماندگارتر می‌شوند. عزت‌الله انتظامی، حسین سرشار، حمیده خیرآبادی، رضا رویگری، فریماه فرجامی و اکبر عبدی «اجاره‌نشین»هایی بودند که تصویر پرقدرت حضورشان در قاب‌های مهرجویی، در سینمای ایران تکرارنشدنی است و غم‌انگیز اینکه این اسامی، نبوغ و هنرمندی‌شان تکرار نمی‌شود. بهانه یادکردن از این فیلم، «اکبر عبدی» است؛ او که بی‌شک یکی از به‌یادماندنی‌ترین شخصیت‌های سینمایی را در این فیلم خلق کرد. اکبر عبدی دوم مرداد ۱۴۰۵ به دلیل سکته قلبی درگذشت. او فعالیت هنری‌اش را در اواخر دهه ۵۰ آغاز کرد. «محله بروبیا»، «محله بهداشت» و «بازم مدرسه‌ام دیر شد» ازجمله برنامه‌های پرمخاطب دهه ۶۰ تلویزیون بود که اکبر عبدی در آنها درخشید. بی‌شک می‌توان دهه ۶۰ را اوج حضور درخشان این پدیده بازیگری دانست. حضورش در فیلم‌های باشکوه «اجاره‌نشین‌ها»، «مادر»، «دزد عروسک‌ها»، «ای ایران»، «سفر جادویی» و سریال پرمخاطب «امام علی(ع)» او را به قله‌های شهرت رساند. نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که اساسا اکبر عبدی با نبوغ غریزی‌اش بسیاری از نقش‌های سینمای ایران را به نام خود ثبت کرده است. گویی نمی‌توان هیچ بازیگر دیگری را به جای او تصور کرد. درست مثل حضور تأثیرگذارش در فیلم «مادر» علی حاتمی که هنوز هم نمی‌توان از این قدرت حضور و هنرمندی‌اش چشم برداشت. دهه ۷۰ برای او پر از تجربه‌های متفاوت بود. «مدرسه پیرمردها»، «دلشدگان»، «هنرپیشه»، «روز فرشته»، «آدم‌برفی» و «مرد آفتابی» ازجمله آثار سینمایی درخشانی بود که اکبر عبدی در آنها شمایل متفاوتی را به نمایش گذاشت و می‌توان این دوره از فعالیت‌های هنری او را درخشان توصیف کرد. اما دهه ۸۰ برای بازیگر بی‌تکرار سینمای ما به قدرت سال‌هایی که پشت سر گذاشته بود پیش نرفت. حضورش اغلب در آثار کمدی بود که نگاهی به گیشه سینما داشتند و اکبر عبدی مهره تأثیرگذاری در این فرایند بود. او که پیش از این با ایفای نقش در فیلم «مادر» به کارگردانی علی حاتمی برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شده بود، بعد از سال‌ها با ایفای نقش در فیلم «خوابم میاد» به کارگردانی رضا عطاران، بار دیگر سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را به خانه برد. عبدی در این فیلم هم نشان داد با وجود بالاتررفتن سنش می‌تواند در نقش‌هایی حضور پیدا کند که رسیدن به آنها برای بسیاری از بازیگران سینما ناممکن است و همچنان می‌تواند آن‌قدر درخشان باشد که سال‌ها درباره چگونگی حضور و هنرمندی‌اش در آن فیلم صحبت شود. بی‌تردید اکبر عبدی پدیده بازیگری سینمای ایران بود. بازیگری که می‌توان گفت آن‌طور که باید قدر ندید و استعداد بی‌انتهایش در بسیاری از سال‌های عمرش نادیده گرفته شد. تاریخ سینمای ما مدیون اکبر عبدی است و اصلا مگر می‌توان بازیگری به قدرت او در سینمای ایران مثال زد که توانایی ایفای نقش با تمام لهجه‌ها و گویش‌ها را داشته باشد و در سنین بالا همچنان بتواند نقشی پایین‌تر از سنش را ایفا کند. عبدی به گواه بسیاری از همکارانش یکی از نوابغ بازیگری بود که یادگاری‌های ارزشمندی از خود به جا گذاشته است.

مراسم خاکسپاری اکبر عبدی ساعت ۹:۳۰ روز یکشنبه چهارم مرداد از مقابل تالار وحدت برگزار می‌شود و پیکر این هنرمند در قطعه هنرمندان به خاک سپرده خواهد شد.

اکبر مرد از بس که جان ندارد...

عباس یاری
منتقد

به قول اکبر عبدی در فیلم «مادر» ساخته علی حاتمی که می‌گوید: «مادر مرد از بس که جان ندارد»، می‌شود این تیتر را برای خودش استفاده کرد که: «اکبر مرد از بس که جان ندارد».

اکبر عبدی برای جامعه ایرانی به‌عنوان یک هنرمند، مثل عضوی از خانواده بود. با همه نقاط ضعف و قدرتش، با همه شیرینی، شیطنت، غمخواری و لحظه‌هایی که کودکی، نوجوانی، جوانی و حتی پیری را بازی کرد، با همه آن شوخی‌ها، اشک‌ها و لحظاتی که برای جامعه‌اش دلسوزی کرد و تماشاگرانش را در سالن‌های تاریک خنداند، گریاند و حالشان را خوب کرد تا باقی بازی‌های مثال‌زدنی‌اش که چه بچه بود، در «محله بروبیا» و «محله بهداشت»، چه استوار دیکتاتور در «ای ایران» یا زن‌پوش در «آدم‌برفی» و چه رزمنده‌ای در جبهه یا روحانی و... ردپا و یادش در خاطرات همه ما ماندگار شده است.

به‌طور طبیعی هر چهره‌ای فراز و نشیب‌های زندگی خودش را دارد. همان‌طور که هر کارگردانی، حتی بهترین آنها، در کارنامه‌شان هم فیلم‌های خوب دارند و هم فیلم‌های متوسط و بد، اکبر عبدی هم در کارهایی که در سینما انجام داده، نقش‌های درخشان و گاهی بد دارد که این برای هرکسی در سینما، امری طبیعی است. اما اگر ما بازی‌گرفتن کارگردان، شناسنامه‌داشتن فیلم‌نامه و حرفه‌ای‌بودن تولید یک فیلم را به نقش‌آفرینی یک بازیگر الصاق کنیم، می‌توان گفت اکبر عبدی هم مثل بازیگران دیگر، مسیر عجیبی را طی کرد و ذخیره‌ای که در دوران جوانی‌اش تا آخرین روزهای زندگی‌اش در مقابل دوربین اندوخت، این روزهای پایانی عمر به دلیل شرایط اقتصادی و اینکه سینما دیگر عرصه تجارت شده و به‌نوعی از هنر و صنعت پیشی گرفته بود و فیلم‌هایی ساخته شد که صرفا پول‌پاشی تهیه‌کننده‌های غیرحرفه‌ای، اما جناحی، ارگانی و کاسب بود، مسیر عبدی هم کمی تغییر کرد. اکبر عبدی از چهره‌هایی بود که من از دورانی که در تلویزیون تصویربردار بودم، می‌شناختم و یکی از کسانی بود که شاید اولین تصاویرش را در استودیو گرفتم. این خاطره را در مراسم انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران که از من و اکبر عبدی و علیرضا زرین‌دست تجلیل می‌شد و خودش هم حضور داشت، یاد کردم و گفتم وقتی متوجه شدم که در این مراسم تجلیل، از چه چهره‌های شاخصی قرار است هم‌زمان با من تجلیل شود، به فال نیک گرفتم و یاد کردم از چهره‌هایی مثل اکبر عبدی، حمید جبلی، ایرج طهماسب، فاطمه معتمدآریا، آتیلا پسیانی و... که شاید اولین کارهای تصویری‌شان را مقابل دوربین من در سریال محله بروبیا و محله بهداشت اجرا کردند.

بنابراین وقتی عبدی با ایفای نقش کودک وارد کانون خانوادگی جامعه ایرانی شد، آن بچه شیرین و بانمک را شناختیم و همین‌طور که پیش می‌رویم می‌بینیم او در مسیر رو به رشدش، لحظاتی در فیلم «مادر» دارد که همچنان بعد از سال‌ها با دیدن صحنه‌ای از این فیلم که عبدی گوشه چادر مادر را گرفته و می‌بوسد و در دفتر مشقش می‌نویسد: «مادر مُرد... از بس که جان ندارد...»، نمی‌توانیم جلوی اشک‌هایمان را بگیریم.

وقتی اکبر عبدی را برای بازی در فیلم مادر انتخاب می‌کنند، آقای حاتمی ابتدا نگران بود که چطور از بازیگری که مُهر کمدی بر پیشانی دارد، بازی بگیرد؟ شنیدم اولین صحنه‌ای که از عبدی فیلم‌برداری می‌کنند، لحظه‌ای است که در حیاط، توپ را قل می‌دهند زیر پای او و عبدی چنان این لحظه را تأثیرگذار بازی می‌کند که عوامل پشت صحنه شروع می‌کنند به گریه‌کردن؛ درست شبیه زمانی که پیمان معادی در فیلم «جدایی نادر از سیمین» دارد پدرش را در حمام می‌شوید و اشک همه عوامل پشت صحنه درمی‌آید و اشک‌های محمود کلاری، ویزور دوربین را خیس می‌کند و نمی‌تواند صحنه را بگیرد. اکبر عبدی به اعتقاد من چهره بسیار بامعرفت و بامَنشی بود. در ارتباط با مسائل اجتماعی هم انسان رُکی بود. هر جایی احساس می‌کرد باید حرفی بزند و انتقادی بکند، با قدرت به زبان می‌آورد و هراسی نداشت که به کسی بربخورد.

در مراسم‌ها که شرکت می‌کرد، حداقل من دو نمونه‌اش را به خاطر دارم که صحبت‌های تأثیرگذاری گفت. در مراسم اهدای جایزه به فیلم‌های سال که خودم چند سالی در مجله فیلم برگزار کردم، وقتی عزت‌الله انتظامی نام اکبر عبدی را صدا کرد و او در میان تشویق حضار روی صحنه رفت، عبدی دستان آقای انتظامی را بوسید و انتظامی هم گفت که این بازیگر خیلی بیشتر از اینها جای تشویق دارد. یک بار هم در مراسم تجلیل از آقای «بیژن محتشم» که پدر گریم ایران خطاب می‌شود، عبدی قبل از صحبت، دستان محتشم را در سالن موزه سینما بوسید.

می‌توانم بگویم دوره‌ای بود که بازیگران سینما، بیشتر گوش به فرمان کارگردان بودند، اما متأسفانه هرچه جلوتر رفتیم بازیگرسالاری باعث شد کارگردان‌ها گوش به فرمان بازیگران شدند.

همچنان می‌خواهم تأکید کنم که مرگ اکبر عبدی چنان تأثیرگذار بود و همه را در شوک فروبرد که نمی‌شود توصیف کرد. او دقیقا شبیه به عضوی از خانواده بود. خاطرم هست در یکی از مراسم‌های انجمن منتقدان، وقتی اکبر عبدی همراه با ناصر تقوایی روی صحنه آمدند، ناصر تقوایی شروع به صحبت کرد و بعد مجری مراسم از عبدی هم خواست صحبت کند، حضار تشویق مفصلی هم از عبدی کردند. او پشت تریبون، ضمن عذرخواهی گفت: «وقتی شخصیتی مثل آقای تقوایی در این مراسم حرف می‌زند ما بازیگران باید خفه شویم و چیزی نگوییم».

این نشان می‌دهد او جایگاه کارگردان را بسیار مهم می‌دانست. یک بار آقای عبدالله اسکندری، چهره‌پرداز برجسته‌ای سینمای ایران که از یاران نزدیک عبدی بود، به من گفت اکبر معمولا با گریمورها رابطه نزدیکی دارد، وقتی برای فیلمی گریم می‌شد می‌گفت نقش را پیدا کرده‌ام و سعی می‌کرد همان باشد که ازش خواسته شده است.

در کارنامه زنده‌یاد عبدی نقش‌های درخشان کم نیست؛ مثل «مادر»، «اجاره‌نشین‌ها»، «دلشدگان» و... .

به یاد بیاوریم صحنه ماندگاری را که او در فیلم اجاره‌نشین‌ها در حمام مشغول تراشیدن ریش است و دارد آواز سرخوشانه می‌خواند. وقتی آن صدای عجیب را که پیش‌درآمد یک آوار است، می‌شنود و به دنبال آن همه‌چیز فرومی‌ریزد یا صحنه انفجار در همین فیلم، بازی او فراموش‌شدنی نیست. انگار داریم یک فیلم سه‌بعدی را می‌بینیم که تماشاگر در سالن سینما کاملا شوکه می‌شود و فکر می‌کند خودش هم کنار عبدی، در همان حمام است.

درگذشت او را به علاقه‌مندان سینمای ایران تسلیت می‌گویم و افسوس می‌خورم مسیر رو به رشدی که عبدی در سینمای ایران شروع کرد، در سال‌های آخر، به سرانجام نرسید. متأسفانه به دلیل ورود افرادی که قصد داشتند با سینما کاسبی کنند، او هم نتوانست آن مسیر متعالی را ادامه بدهد و چهره‌هایی مثل او ناچار شدند نقش‌هایی را بازی کنند که کارگردان خوب و فیلم‌نامه‌ای کارشده حرف اول را نمی‌زد و سرمایه صاحب فیلم بود. یادش گرامی... .

یادداشت

عزیز و محترم بود

کامران قدکچیان
کارگردان

هر آن چیزی که به محض شنیدن نام اکبر عبدی به خاطر می‌آید، اخلاق خوب و خوش او بود. مقابل دوربین و حضور درخشانش را که مردم می‌دانند و از هنرنمایی‌اش لذت بردند. او پشت صحنه همیشه بااخلاق و درجه‌یک بود. نه‌فقط به دلیل طنز ذاتی‌اش که حضورش در جمع را دلنشین‌تر می‌کرد، بلکه به دلیل مرام و مردانگی، اعتقاد و رفتار و گفتارش که او را همیشه متمایز می‌کرد. او همیشه برای همه عزیز و محترم بود.

طبیعی هم هست وقتی فردی در این سن‌وسال همچنان محبوب است دلیل دارد که سال‌ها این محبوبیت را حفظ کرده و در قلب مردم مانده است. این چیزی نیست که به‌راحتی فراموش شود. نبوغ ذاتی او که بر همگان عیان است. او بازیگر خاص و ویژه‌ای بود.

اکبر عبدی دانش آکادمیک بازیگری نداشت، اما بدون اغراق ذاتا بازیگر بود. وقتی نقشی به او پیشنهاد می‌شد حتما چیزی به نقش اضافه می‌کرد و تحویل می‌داد. حتما که نقش چند پله‌ای رشد کرده بود و مقابل دوربین ظاهر می‌شد؛ چون او می‌دانست باید با نقش چه کند که مقابل دوربین جذاب‌تر شود و این چیزی نیست که در هر بازیگری بتوان دید. خلاقیت او در پرورش نقش بی‌نظیر بود. به نقش روح اضافی می‌بخشید. درباره کارنامه هنری او زیاد صحبت می‌شود که شاید انتخاب‌هایش گاهی عجیب بود.

من فکر می‌کنم طبیعی است که دور و بر آدم‌های مشهور و محبوب معمولا افراد زیادی هستند که گاهی با یک پیشنهاد ممکن است مسیر بازیگر را عوض کنند. این ممکن است برای هر هنرمند یا بازیگری اتفاق بیفتد و طبیعی است که هر بازیگری انتخاب‌های متفاوتی داشته باشد که شاید برای برخی دور از آن بازیگر تعریف شود.

با این حال کارنامه اکبر عبدی عزیز پر است از نقش‌های ماندگار و بی‌نظیر که هرکدام خاص و ویژه است و هنر اکبر عبدی به آنها روح بخشیده است. متأسفم که دیگر اکبر عبدی عزیز بین ما نیست. حیف شد که او را از دست دادیم. به همه دوستداران این هنرمند بزرگ درگذشت او را تسلیت می‌گویم.

یادش گرامی.

جدول ۵۳۶۸ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از سطوح رایج برای طراحی- اندیشه بی‌سابقه- بار بردن ۲- قومی ایرانی- نام قدیم شهر ارومیه- محکم و بنیادین ۳- هدف- پست و فرومایه- زبانه آتش ۴- در حمام می کشند- منتشرکننده کتاب- پیشینیان ۵- لاستیک یدکی- کهنه و فرسوده- جای پا ۶- چاشنی غذایی- نوعی میمون- خلاص و نجات ۷- به‌پاکردنی ناخوشایند- شیوه انجام کار- سرزنش ۸- جوانمرد- محدودیت- سوره شانزدهم قرآن ۹- سرخ مایل به قهوه‌ای- دختران عرب- سیب آذری ۱۰- علم شعبده- هرگز نشود- مروارید درشت ۱۱- از مبطلات روزه- نام مادر بوعلی سینا- جمع وظیفه ۱۲- زشت و نفرت‌انگیز- مجموعه کامپیوترهای مستقل که به یکدیگر متصل و با هم در ارتباط هستند- پول خرد هند ۱۳- واهمه- چند وکیل- خلاصه‌گویی ۱۴- شهری در هلند- با محبت- حرف دهن‌کجی ۱۵- مادربزرگ- هنر ترسیم نقش- بسیار مهربان

عمودی:

۱- نوعی پارچه با الیاف طبیعی- آلبومی با آواز عبدالحسین مختاباد- عریض ۲- کشوری محصور در خشکی در آسیای مرکزی- ما ز ایشان چشم یاری داشتیم ۳- از قواعد دوازده‌گانه خوشنویسی ایرانی اسلامی- بی‌چیز- آتشخانه ۴- پارچه‌صاف‌کن- مروارید سیاه فوتبال برزیل- از ورزش‌های گروهی ۵- رسوا و بی‌آبرو- گران‌بها- مگابایت ۶- نت چهارم- قومی از نژاد سامی- فلانی ۷- تعظیم- شهر زیتون- بیهوشی ۸- پشت سر هم- از الفبای فارسی- نامتناسب و بی‌نظم ۹- سگ قهرمان رمان آوای وحش- وسیله بالارفتن- القصه ۱۰- سهل و آسان- کامپیوتر قابل حمل- نوک بی‌نوک! ۱۱- نشانه مفعولی- برتر از دیگران- بیان‌کردن ۱۲- داستانی نوشته مهرداد صدقی- همراه اطوار- پایین‌رفتن آب دریا ۱۳- اکنون- نوعی طرح لباس زنانه- اسب چاپار ۱۴- مجموعه‌شعری از سهراب سپهری- از پیش‌کسوتان داوری فوتبال ایران ۱۵- واحد پول رومانی- از جاذبه‌های طبیعی تهران در دامنه کوه دماوند- دومین عنصر جدول تناوبی

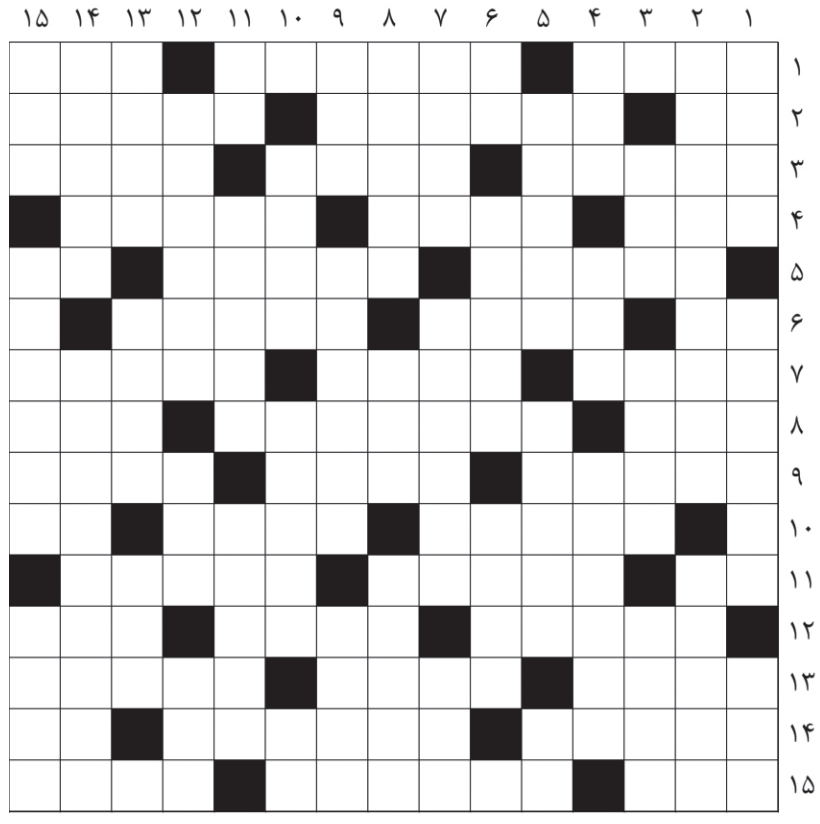

حل سودوکو ۴۳۶۳

۲	۱	۵	۳	۴	۶	۸	۷	۹
۷	۸	۴	۵	۱	۹	۳	۶	۲
۹	۶	۳	۸	۷	۲	۱	۵	۴
۱	۷	۲	۶	۹	۸	۵	۴	۳
۴	۳	۹	۷	۵	۱	۶	۲	۸
۶	۵	۸	۲	۳	۴	۹	۱	۷
۳	۴	۶	۱	۸	۷	۲	۹	۵
۵	۲	۷	۹	۶	۳	۴	۸	۱
۸	۹	۱	۴	۲	۵	۷	۳	۶

۴	۶	۷	۸	۱	۲	۵	۹	۳
۹	۱	۳	۵	۷	۶	۴	۲	۸
۸	۲	۵	۴	۳	۹	۱	۷	۶
۳	۷	۲	۶	۴	۵	۸	۱	۹
۱	۵	۸	۳	۹	۷	۲	۶	۴
۶	۹	۴	۱	۲	۸	۷	۳	۵
۲	۴	۹	۷	۸	۳	۶	۵	۱
۵	۳	۱	۲	۶	۴	۹	۸	۷
۷	۸	۶	۹	۵	۱	۳	۴	۲

حل جدول ۵۳۶۷

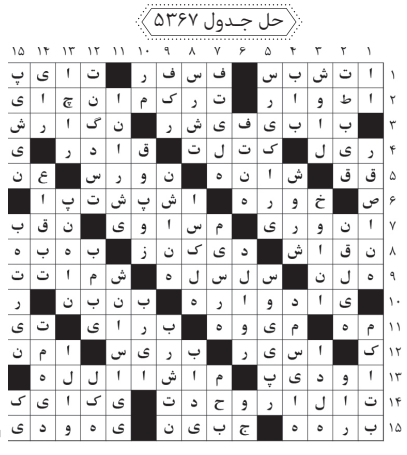

سودوکو سخت ۴۳۶۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴		۵					۸
				۸	۲			
	۸	۹				۲	۳	
			۸			۳		۱
		۴	۹	۳	۱	۷		
۸		۱			۶			
	۱	۷				۸	۶	
			۶	۱				
۳					۹		۵	

سودوکو ساده ۴۳۶۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳	۵		۱				۸	۴
۴			۶			۱		۵
		۷		۸			۶	
			۴			۵		
۶		۵				۷		۸
		۹			۳			
	۹			۴		۶		
۷		۴			۶			۹
۵	۶				۲		۳	۱